

Positive Obligations of Governments to Protect the Rights of Citizens in the European Court of Human Rights' Interpretation of Article 8 of the European Convention on Human Rights

Mohammadmehdi Barghi*

Assistant Professor, Department of Law,
Faculty of Islamic Studies, Meybod
University, Meybod, Iran.

Abstract

In recent decades, the provision of basic human rights has become one of the most important concerns of human societies. Therefore, the governments try to protect these rights by approving international and regional documents, and they set tasks for the governments in this regard. In the meantime, European countries took the lead in compiling regional human rights documents and in the first years after the Second World War, on November 4, 1950, they approved a document entitled "European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms". One of the articles of the "European Convention on Human Rights" that specifically deals with basic human rights is Article 8 of this convention. This article contains two clauses. In the first paragraph, four basic human rights are mentioned and it is emphasized that governments should respect these rights. This is stated in this paragraph: " Everyone has the right to respect for his private and family life, his home and his correspondence ". In the second paragraph of Article 8, the convention prohibits the interference of member states in these four rights of their citizens and only in exceptional circumstances and if the conditions mentioned in this paragraph are met, it has allowed governments to interfere with these rights. It is stated in paragraph two in this regard: " There shall be no interference by a public authority with the exercise of this right except such as is in accordance with the law and is necessary in a democratic society in the interests of national security, public safety or the economic well-being of the country, for the prevention of disorder or crime, for the protection of health or morals, or for the protection of the rights and freedoms of others. "

The present study, which has been written in a descriptive manner using library and Internet resources, aims to answer the main question whether the obligation provided for in Article 8 of the European Convention on Human Rights for the member states of this convention is merely a negative obligation

* Mmehdibarghi@yahoo.com

How to Cite: Barghi, M. (2023). Positive Obligations of Governments to Protect the Rights of Citizens in the European Court of Human Rights' Interpretation of Article 8 of the European Convention on Human Rights, *State Studies Quarterly*, 9(34), 35-57. doi: 10.22054/TSSQ.2023.67666.1250

in the sense of refraining from any unauthorized interference or, under this article, do governments have positive obligations to ensure that their citizens have access to these rights? In case of acceptance of positive obligations for governments, what are the conditions for applying these obligations? What are the most important challenges that the European Court of Human Rights faces when dealing with complaints related to violations of the positive obligations of governments?


In order to answer these questions, we first examined the concept of the four rights that are protected in Article 8 of the European Convention on Human Rights. Then we explained the concept of negative obligations and positive obligations of governments under Article 8. Then we have examined the conditions of applying positive obligations by countries and examined the most important areas that have led to challenges for the European Court of Human Rights in this regard.

The research findings show that Article 8 of the European Convention on Human Rights is an article that has two aspects. This article, in addition to providing for a negative commitment to refrain from unauthorized interference with the four rights set forth in this article, also includes a positive commitment by States to take the necessary measures to protect these four rights against unauthorized interference. The identification of positive obligations for states in Article 8 of the European Convention on Human Rights was discussed for the first time in 1979 and in the case of "Marckx v. Belgium" by the European Court of Human Rights. In this case, referring to the word "respect" which was used in the first paragraph of Article 8 of the Convention, the court recognized the existence of positive obligations on the governments. The court decided that considering that the first paragraph of Article 8 obliges governments to "respect" the "private", "family life", "home" and "correspondence" of the citizens, therefore the government Both in approving laws and in the process of dealing with lawsuits, they must take the necessary measures to protect these four rights of citizens.

Accordingly, the European Court of Human Rights has convicted member states of violating the Convention in cases where they refuse to fulfill their positive obligations. However, the European Court of Human Rights has faced the challenge of how to strike a balance between the public interest of society and the individual interest of individuals in dealing with cases involving the recognition of positive obligations to governments.

Keywords: Positive Obligations, European Convention on Human Rights, European Court of Human Rights, Citizen`s Rights, Challenges of Applying Article 8.

تعهدات مثبت دولتها در حمایت از حقوق شهروندان در تفسیر دادگاه اروپایی از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

محمد مهدی برگی *  استادیار حقوق دانشگاه میبد، یزد، ایران.

چکیده

ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یکی از جلوه‌های حمایت از حقوق اساسی و اولیه انسان‌ها محسوب می‌شود. کنوانسیون در این ماده دولت‌های عضو را از هرگونه دخالت غیرمجاز در چهار حوزه از حقوق اولیه شهروندان شامل زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه و مکاتبات ایشان منع می‌کند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نگاشته شده است، به این پرسش اصلی می‌پردازد که آیا تعهد پیش‌بینی شده در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای کشورهای عضو این کنوانسیون صرفاً از نوع یک تعهد منفی به معنای خودداری از هرگونه دخالت غیرمجاز است یا به موجب این ماده دولت‌ها از تعهدات مثبتی برای تضمین دسترسی شهروندانشان به این حقوق نیز برخوردارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده‌ای است که از دو جنبه برخوردار بوده و علاوه بر پیش‌بینی تعهد منفی خودداری از دخالت غیرمجاز در حقوق چهارگانه مذکور در این ماده، تعهد مثبت انجام اقدامات لازم برای حمایت از این حقوق چهارگانه در مقابل دخالت‌های غیرمجاز را نیز برای دولت‌ها شامل می‌شود. بر این اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر در مواردی که دولت‌های عضو از انجام تعهدات مثبت خود سرباز زنند، ایشان را به نقض کنوانسیون محکوم نموده است. باین وجود، دادگاه اروپایی حقوق بشر در رسیدگی به دعاوی مربوط به شناسایی تعهدات مثبت برای دولت‌ها، با چالش چگونگی ایجاد موازنه و تعادل بین منافع عمومی جامعه و منافع فردی اشخاص روبه‌رو شده است.

واژگان کلیدی: تعهدات مثبت، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، حقوق شهروندان، چالش‌های اعمال ماده هشت.

مقدمه

تأمین حقوق اساسی و اولیه‌ی انسان‌ها در دهه‌های اخیر به یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های مهم جوامع بشری تبدیل شده است. بنابراین کوشیده‌اند با تصویب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، به حمایت از این حقوق پرداخته و تکالیفی را در این راستا برای دولت‌ها مقرر دارند. در این میان کشورهای اروپایی در تدوین اسناد حقوق بشر منطقه‌ای پیشگام شده و در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم یعنی در تاریخ ۴ نوامبر سال ۱۹۵۰ سندی را با عنوان «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۱ به تصویب رساندند.^۲

تصویب این سند بین‌المللی که از این پس در جهت رعایت اختصار از آن با عنوان «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» نام می‌بریم باعث ایجاد تحولی مهم در ارتقای حقوق بشر در سطح جهانی گردید و علت این مسئله نیز آن بود که به موجب این سند برای نخستین بار یک مرجع قضایی ویژه جهت رسیدگی به شکایت شهروندان دولت‌های عضو کنوانسیون در خصوص نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آن‌ها ایجاد گردید. بدین ترتیب که بدواً و به موجب ماده ۱۹ کنوانسیون، مسئولیت نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون به کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر واگذار گردید. متعاقباً در سال ۱۹۹۸ و به موجب پروتکل شماره ۱۱، دو نهاد فوق منحل شده و یک نهاد واحد با عنوان «دادگاه اروپایی حقوق بشر»^۳ جایگزین آن‌ها گردید.^۴ (سادات اخوی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۲۳۴)

1. The European Convention for The Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر راجع به این سند مراجعه کنید به

Ehlers, Dirk, Becker, Ullrich, Et al, European Fundamental and Freedoms, Walter de Gruyter, 2011

3. European Court Of Human Rights

۴. برای مطالعه‌ی بیشتر راجع به این دادگاه و چگونگی عملکرد آن مراجعه کنید به

Nussberger, Angelika, The European Court of Human Rights, OUP Oxford, 2020

یکی از مواد «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» که به صورت ویژه به حقوق اولیه انسان‌ها پرداخته است، ماده هشت این کنوانسیون است. این ماده شامل دو بند است. در بند اول، چهار حق از حقوق اولیه و اساسی انسان‌ها احصا شده و بر احترام گذاشتن به آن‌ها تأکید شده است. در این بند چنین آمده است: «هر کس حق دارد که به زندگی خصوصی، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی او احترام گذاشته شود.»^۱ کنوانسیون در ادامه و در بند دوم از ماده هشت دخالت دولت‌های عضو را در این حقوق چهارگانه شهروندان نشان ممنوع دانسته و فقط در شرایط استثنائی و در صورت احراز شرایط مذکور در این بند، اجازه‌ی مداخله در این حقوق را به دولت‌ها داده است. بند دو در این رابطه چنین مقرر داشته است: «در اجرای این حق، هیچ نوع مداخله‌ای از سوی یک مرجع دولتی صورت نمی‌پذیرد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه‌ی دموکراتیک در جهت مصالح امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور یا در جهت پیشگیری از بی‌نظمی یا بروز جرم یا در حمایت از سلامت یا اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران.»^۲

چنان‌که ملاحظه می‌کنیم از ظاهر ماده هشت «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» چنین استنباط می‌گردد که دولت‌ها صرفاً ملتزم به رعایت یک تعهد منفی یا سلبی یعنی خودداری از مداخله غیرمجاز در حقوق پیش‌بینی شده در این ماده هستند و هیچ تعهد مثبت یا ایجابی در رابطه با حمایت از این حقوق و تضمین دسترسی شهروندان نشان به آن‌ها برای دولت‌های عضو در نظر گرفته نشده است. با این توصیف، پژوهش حاضر بر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا تعهد پیش‌بینی شده در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای کشورهای عضو این کنوانسیون صرفاً یک تعهد منفی به معنای خودداری از هرگونه دخالت غیرمجاز است یا به موجب این ماده دولت‌ها از تعهدات مثبتی نیز برخوردارند؟ اگر

1. Article 8 & 1: "Everyone Has The Right To Respect For His Private And Family Life, His Home And His Correspondence"

2. Article 8 & 2: "There Shall Be No Interference By A Public Authority With The Exercise Of This Right Except Such As Is In Accordance With The Law And Is Necessary In A Democratic Society In The Interests Of National Security, Public Safety Or The Economic Well-Being Of The Country, For The Prevention Of Disorder Or Crime, For The Protection Of Health Or Morals, Or For The Protection Of The Rights And Freedoms Of Others."

مداخله‌ای در این حقوق چهارگانه توسط اشخاص یا سازمان‌ها صورت گرفت، دولت‌ها به موجب ماده هشت مکلف‌اند با انجام اقدامات لازم، از نقض حقوق شهروندان ممانعت به عمل آورند؟ در صورت پذیرش تعهدات مثبت برای دولت‌ها، شرایط اعمال این تعهدات به چه ترتیب است؟ مهم‌ترین چالش‌هایی که دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمان رسیدگی به شکایات مربوط به نقض تعهدات مثبت دولت‌ها با آن روبه‌رو می‌شود کدام است؟ در جهت پاسخ به این سؤالات، ابتدا به بررسی مفهوم حقوق چهارگانه‌ای که در ماده هشت مورد حمایت «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» قرار گرفته است، می‌پردازیم. سپس به تبیین مفهوم تعهدات منفی و تعهدات مثبت دولت‌ها در ذیل ماده هشت خواهیم پرداخت. آنگاه به بررسی شرایط اعمال تعهدات مثبت توسط کشورها پرداخته و مهم‌ترین حوزه‌هایی را که منجر به ایجاد چالش برای دادگاه اروپایی حقوق بشر در این رابطه گردیده است از نظر خواهیم گذراند. در این مسیر با توجه به این که آرای «دادگاه اروپایی حقوق بشر» که در راستای رسیدگی به شکایات مطروحه توسط شهروندان دولت‌های متعاقد نسبت به نقض حقوق ایشان مندرج در ماده هشت کنوانسیون صادر شده است، نقش مهمی در جهت پاسخ به سؤالات مطروحه ایفاء می‌کند، نگاه ویژه‌ای به این آرا خواهیم داشت.

تبیین مفهوم حقوق مورد حمایت در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بند اول از ماده هشت «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» چهار حق را برای شهروندان به رسمیت شناخته و دولت‌های عضو کنوانسیون را از هرگونه دخالت غیرمجاز در این حقوق چهارگانه منع کرده است. این چهار حق عبارت‌اند از: زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه و مکاتبات خصوصی. گرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده هشت فقط به احصاء این حقوق چهارگانه پرداخته و تعریفی از آن‌ها ارائه نکرده است، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در آرای خود کوشیده است معنا و مفهوم این حقوق را از منظر کنوانسیون تبیین نماید.

با مراجعه به آرای صادره توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر ملاحظه می‌کنیم که این دادگاه تعریف دقیق و روشنی از مفهوم «زندگی خصوصی» ارائه نداده است. به جای آن فهرستی از حوزه‌های مختلف را که از مصادیق مفهوم «زندگی خصوصی» محسوب می‌شوند شناسایی نموده است. در این فهرست عناوینی از قبیل داشتن نام، شهرت فرد، ریشه‌های خانوادگی، تمامیت جسمی و اخلاقی، هویت جنسی و اجتماعی، جهت‌گیری‌ها و سبک زندگی جنسی، خودمختاری و استقلال شخصی مشاهده می‌شوند که دادگاه اروپایی حقوق بشر در جریان رسیدگی به دعاوی مختلف آن‌ها را از مصادیق «زندگی خصوصی» دانسته است. به صورت کلی از آرای صادره توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توان چنین استنباط نمود که «زندگی خصوصی» از نظر این دادگاه مفهومی گسترده است که در چارچوب آن هر شخص می‌تواند شخصیت خود را هم در ارتباط با جهان خارج و هم در ارتباط با دیگران، آزادانه رشد بخشد (Della Fina & Cera & Palmisano, 2017, p. 405).

در رابطه با مفهوم «زندگی خانوادگی» اولین نکته‌ای که باید روشن شود، معنای واژه «خانواده» از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. مفهوم پذیرفته شده از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر برای واژه «خانواده» باگذشت زمان و متناسب با تغییر نگرش جامعه‌ی اروپا توسعه یافته است و با توجه به آداب و رسوم در حال تکامل، این فرآیند توسعه ادامه نیز خواهد داشت. دادگاه اروپایی بارها در آرای خود از جمله در دعوی «ایکس، وای و زد علیه پادشاهی متحده بریتانیا» بر این نکته تأکید کرده است که مفهوم «زندگی خانوادگی» مذکور در ماده هشت کنوانسیون:

«فقط به خانواده‌های مبتنی بر ازدواج محدود نمی‌شود و سایر روابط واقعی را نیز در برمی‌گیرد. هنگام تصمیم‌گیری در مورد این که آیا ممکن است یک رابطه به معنای «زندگی خانوادگی» تلقی شود یا خیر، عوامل مختلفی ممکن است مؤثر باشند، از جمله این که آیا زن

-
1. Private Life
 2. Family Life
 3. X, Y, and Z v. the United Kingdom

و مرد باهم زندگی می‌کنند، رابطه‌ی آنها چه مدت طول کشیده است و این که آیا آنها با داشتن فرزندان مشترک یا به هر طریق دیگر تعهد خود را نسبت به یکدیگر نشان داده‌اند یا خیر» (Smyth & Lang & Thompson, 2020, p. 228)

این رویکرد انعطاف‌پذیر دادگاه اروپایی حقوق بشر در رابطه با مفهوم خانواده، معلول تنوع اشکال زندگی خانوادگی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. به‌رروی این واقعیت که دادگاه در مورد وجود یا نبود «زندگی خانوادگی» به‌صورت مورد به مورد تصمیم‌گیری می‌کند و روابط نزدیک شخصی موجود بین طرفین پرونده را به‌صورت مستقل از سایر پرونده‌ها ارزیابی می‌کند، به این معنی است که احصا نمودن تمام روابطی که «زندگی خانوادگی» را تشکیل می‌دهد، امکان‌پذیر نیست. با این وجود آنچه مسلم است آن است که روابط بین فرزندان و پدر و مادر قانونی آنها؛ روابط بین نوادگان و پدربزرگ و مادربزرگ آنها؛ روابط بین خواهر و برادر^۳ و روابط بین عمو و عمه با برادرزاده یا خواهرزاده^۴ جزء مصادیق مفهوم «زندگی خانوادگی» تلقی می‌شوند (O'Halloran, 2021, p. 134).

سومین مفهوم مورد حمایت در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مفهوم «خانه»^۵ است. به‌طور کلی دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی متعددی که به آنها رسیدگی کرده، خانه را به‌عنوان مکانی که فرد به‌طور دائم در آن زندگی می‌کند یا ارتباطات کافی و مداوم با آن دارد، تعریف کرده است (Kofler & Maduro & Pistone, 2011, p. 381).

-
1. Berrehab v. the Netherlands
 2. Marckx v. Belgium
 3. Olsson v. Sweden
 4. Boyle v. the United Kingdom

۵. در نسخه انگلیسی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از اصطلاح «home» برای خانه استفاده شده است، اما در نسخه فرانسوی این کنوانسیون، از اصطلاح «domicile» استفاده شده که حوزه گسترده‌تری را در برمی‌گیرد. (Witzleb & Lindsay & Paterson & Rodrick, 2014, p. 86)

6. Prokopovich v. Russia & Gillow v. the United Kingdom & McKay-Kopecka v. Poland

نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر برای این که بتوان به شکایت کسی که مدعی نقض حقوقش در رابطه با «خانه‌ای» شده است رسیدگی کرد، مالکیت وی بر آن «خانه» نه شرط لازم است و نه کافی؛ بدین معنا که از نظر دادگاه ممکن است کسی مالک خانه نباشد ولی به واسطه مدت زمان طولانی اقامت در آن، نسبت به آن صاحب حق شده باشد و بالعکس ممکن است کسی مالک خانه‌ای باشد، اما چون مدت زمان طولانی در آن سکونت نداشته و هیچ گونه ارتباطی با آن نداشته است، نسبت به آن خانه صاحب حق شناخته نشود. بر همین اساس دادگاه در پرونده «دموپولوس و دیگران علیه ترکیه»^۱ تصریح کرد که گرچه شاکی «خانه» را به ارث برده و مالک آن محسوب می‌شود، اما چون برای مدت زمانی طولانی سابقه سکونت در آن نداشته، بنابراین صاحب حقی نسبت به آن خانه محسوب نمی‌شود و شکایت او مسموع نیست (, Doswald-Beck, 2011, p. 391).

چهارمین و آخرین حقی که در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته است، حق «مکاتبه»^۲ است. حق احترام به مکاتبات اشخاص در واقع مستلزم محافظت از محرمانه بودن ارتباطات خصوصی شهروندان بوده و به عنوان تضمین کننده حق برقراری ارتباط بدون وقفه و بدون سانسور با دیگران تفسیر شده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در تفسیر اصطلاح «مکاتبات» پیشرفت‌های فن آوری ثبت شده در زمینه ارتباطات را به طور منظم مورد توجه قرار داده و کوشیده آخرین ابزار و روش‌های ارتباطی را در ذیل این مفهوم بگنجانند.^۳

نکته قابل توجه در این قسمت آن است که برای آن که مکاتبات مورد حمایت ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار بگیرد، محتوای آن‌ها از اهمیت برخوردار نیست.^۴ در واقع

1. Demopoulos and Others v. Turkey

2. Correspondence

۳. مواردی از قبیل مکالمات تلفنی، پیام‌های ردوبدل شده از طریق پیجر، پیام‌های الکترونیکی (ایمیل)، ارتباطات رادیویی خصوصی (نه زمانی که در طول موج عمومی بوده و در دسترس دیگران باشد) و بسته‌های پست شده از طریق گمرک نمونه‌هایی از مکاتباتی هستند که مورد حمایت ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشند.

4. Frerot v. France

حمایت کنوانسیون ناظر بر روش و وسیله‌ی ارتباط صرف نظر از محتوای آن است. به همین دلیل در موارد متعددی که دولت‌ها درصدد برآمده‌اند که مداخله خود در مکاتبات شهروندان را این گونه توجیه نمایند که محتوای این مکاتبات مربوط به هماهنگی جهت انجام اقدامات مجرمانه بوده و لذا نمی‌تواند مورد حمایت ماده هشت کنوانسیون قرار گیرد، دادگاه اروپایی حقوق بشر استدلال این دولت‌ها را رد کرده و تأکید نموده که آنچه از نظر کنوانسیون مورد حمایت است، وسیله و روش مکاتبه صرف نظر از محتوای آن است.^۱

پرسش مهم دیگری که در این قسمت مطرح می‌شود آن است که آیا هویت طرفین مکاتبه در حمایت ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از مکاتبه اهمیتی دارد یا نه؟ در پاسخ به این سؤال دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید نموده است که اگرچه حق مکاتبه برای همه به رسمیت شناخته شده است، اما هویت اشخاصی که در مکاتبه‌ی آن‌ها مداخله صورت گرفته است، در زمان بررسی این که آیا آن مداخله وفق بند دوم از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر موجه بوده است یا نه، از اهمیت برخوردار می‌شود. بر این اساس ارتباطات ممتاز مانند ارتباطات بین وکیل و موکل وی مورد حمایت شدید کنوانسیون قرار دارد و این که بتوان مداخله در چنین مکاتبه‌ای را با استفاده از شرایط استثنائی پیش‌بینی شده در بند دوم از ماده هشت کنوانسیون توجیه کرد، بسیار دشوار خواهد بود (Kusak, 2017, p. 125). همچنین مکاتبات بین افراد هرزمانی که یکی از طرفین مکاتبه در زندان باشد، از حمایتی مشابه برخوردار می‌شوند.^۲

تعهدات منفی دولت‌ها در پرتوی ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پس از آنکه در بند اول خود بر لزوم احترام گذاشتن به حق زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی، مسکن و ارتباطات همه اشخاص تأکید می‌کند، در بند دوم خود دولت‌های متعهد را از هرگونه دخالت غیرمجاز در این حقوق چهارگانه منع می‌کند. بدین ترتیب نوعی تعهد منفی یا سلبی برای کشورهای عضو

1. A. v. France

2. Silver and Others v. the United Kingdom

کنوانسیون ایجاد می‌شود. محتوای این تعهد منفی یا سلبی آن است که دولت‌های عضو متعهد می‌شوند از هرگونه دخالت غیرمجاز در حقوق چهارگانه مندرج در بند اول ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خودداری نمایند.

بر این اساس هرزمانی که یکی از شهروندان دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با طرح شکایتی نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی گردد که دولت متبوعش یکی از حقوق وی که موضوع بند اول از ماده هشت کنوانسیون بوده را نقض کرده است، دادگاه در گام اول به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که آیا حقی که شاکی مدعی نقض آن است، از مصادیق حقوق چهارگانه مندرج در بند اول از ماده هشت کنوانسیون محسوب می‌شود یا خیر. بدیهی است اگر پاسخ به این سؤال منفی باشد، دادگاه موضوع را مشمول ماده هشت کنوانسیون ندانسته و رسیدگی را در همین مرحله خاتمه می‌دهد.

اما اگر پاسخ به سؤال فوق مثبت بوده و از نظر دادگاه موضوع مورد شکایت از مصادیق حقوق چهارگانه مندرج در بند اول از ماده هشت کنوانسیون محسوب گردد، دادگاه وارد مرحله‌ی دوم رسیدگی شده و به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا دولت مورد شکایت از رعایت تعهد منفی خود سرباز زده و اقدام به مداخله غیرمجاز در این حقوق چهارگانه نموده است یا خیر. در صورتی که پاسخ به این سؤال منفی بوده و مشخص شود که دولت عضو تعهد منفی خود را رعایت کرده و مداخله غیرمجازی در حقوق شاکی انجام نداده است، دادگاه وارد مرحله‌ی سوم رسیدگی می‌شود که عبارت از بررسی تعهدات مثبت دولت‌های عضو کنوانسیون در رابطه با ماده هشت است.

تعهدات مثبت دولت‌ها در پرتوی ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
اگرچه از ظاهر ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چنین استنباط می‌گردد که این ماده صرفاً یک تعهد منفی یا سلبی مبنی بر خودداری از دخالت غیرمجاز در حقوق چهارگانه مندرج در این ماده برای دولت‌های عضو پیش‌بینی نموده است، اما در واقع این ماده علاوه بر این تعهد منفی، نوعی تعهد مثبت یا ایجابی را نیز برای دولت‌های عضو در نظر گرفته که

عبارت از انجام اقدامات لازم و در نظر گرفتن تدابیر ضروری جهت تضمین برخورداری شهروندان از این حقوق چهارگانه است.

این مسئله یعنی پذیرش و اعمال تعهدات مثبت برای دولت‌ها ذیل ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخستین بار در دعوی «مارکس علیه بلژیک»^۱ در سال ۱۹۷۹ مطرح شد (Xenos, 2012, p. 24). بر این اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر پس از احراز این نکته که دولت مورد شکایت تعهد منفی خود را رعایت کرده و دخالت غیرمجازی در حقوق چهارگانه شخص شاکی انجام نداده، رسیدگی را خاتمه نمی‌دهد. بلکه در گام سوم به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که آیا دولت مورد شکایت تعهدات مثبتی در جهت حمایت از حقوق چهارگانه‌ی مندرج در بند اول از ماده هشت کنوانسیون داشته است یا خیر و اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، آیا تعهدات مثبت خود را انجام داده است یا نه؟

بنابراین همچنان که تعهدی منفی مبنی بر عدم دخالت خودسرانه در زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات شهروندان وجود دارد، ممکن است دولت برای احترام به حقوق چهارگانه مندرج در این ماده مجبور به انجام اقدام مثبت نیز باشد. بر این اساس در شرایط خاص، کنوانسیون دولت‌های عضو را ملزم می‌کند تا برای تأمین حقوق مذکور در ماده هشت اقدامات لازم را انجام دهند و همچنین ممکن است از دولت‌ها بخواهد از اشخاص در برابر فعالیت‌های سایر افراد که مانع بهره‌مندی مؤثر ایشان از حقوقشان می‌شوند، محافظت کنند.

شرایط اعمال تعهدات مثبت توسط دولت‌ها

دادگاه اروپایی حقوق بشر در جهت توجیه شناسایی تعهدات مثبت برای دولت‌ها، به واژه «احترام»^۲ که در بند اول از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفته، استناد نموده است. در این بند چنین آمده: «هرکس حق دارد که به زندگی خصوصی، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی او احترام گذاشته شود.» دادگاه

1. Marckx v. Belgium

2. Respect

معتقد است کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عامدانه از واژه «احترام» در بند اول از ماده هشت استفاده نموده و از این طریق در واقع دولت‌های عضو را مکلف نموده که برای تضمین احترام گذاشتن به حقوق چهارگانه مندرج در کنوانسیون، اقدامات لازم را انجام دهند. در دعوای «ایکس و وی علیه هلند» دادگاه در این رابطه چنین نظر داد:

«ماده هشت صرفاً دولت را مجبور به پرهیز از مداخله نمی‌کند. علاوه بر این تعهد منفی، ممکن است تعهدات مثبتی نیز وجود داشته باشد که مربوط به احترام مؤثر به زندگی خصوصی و خانوادگی باشد. . . . این تعهدات ممکن است شامل اتخاذ تدابیری باشد که برای تأمین احترام به زندگی خصوصی حتی در حوزه روابط افراد بین خودشان طراحی شده است.» (Cremer, 2010, p. 122).

تشخیص شرایطی که تحت آن رعایت ماده هشت نیاز به اقدام مثبت از جانب دولت‌ها دارد، دشوار است. دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد است که مفهوم واژه «احترام» روشن نبوده و از آنجا که شرایط در کشورهای متعاقد متفاوت است، آنچه برای اطمینان از احترام به حقوق چهارگانه مذکور در ماده هشت کنوانسیون مورد نیاز است، مورد به مورد بسیار متفاوت خواهد بود. در مورد تصمیم‌گیری در مورد این که تحقق مفهوم «احترام» در یک پرونده‌ی خاص چه اقداماتی را اقتضاء دارد، «قدرت تشخیص»^۲ گسترده‌ای به دولت‌ها اعطا شده است.

1. X & Y v. the Netherlands

۲. در تعیین این که آیا اقدامات انجام شده توسط دولت‌ها با ماده هشت سازگار است یا خیر، درجی خاصی از اختیار در تصمیم‌گیری و تشخیص به دولت‌ها واگذار شده که به «قدرت تشخیص» معروف است. این اصل برای اولین بار در پرونده «هندیسید علیه پادشاهی متحده بریتانیا» که مربوط به یک شکایت در مورد ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود، توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر تأسیس شد، (Moeckli, 2008, p. 79) اما حکم آن به‌طور یکسان در مورد ماده هشت نیز اعمال می‌شود. در این پرونده دادگاه این‌گونه حکم داد که:

«مقامات دولتی به دلیل تماس مستقیم و مداوم با نیروهای حیاتی کشورهایشان، در اصل در موقعیت بهتری نسبت به دادگاه بین‌المللی برای اظهار نظر در مورد مفهوم «ضرورت»، «محدودیت» یا «مجازات» هستند. این بر عهده مقامات ملی است که ارزیابی اولیه از واقعیت نیاز مبرم اجتماعی را که مفهوم «ضرورت» نشان می‌دهد، انجام دهند. در نتیجه بند دو از ماده ۱۰ کنوانسیون قدرت تشخیص را به کشورهای متعاقد واگذار می‌کند. این قدرت هم به قوانین داخلی داده

در غالب موارد شکایاتی که راجع به تعهدات مثبت دولت‌ها در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح می‌شود، مربوط به زمانی است که شخص شاکی مدعی شده گروه یا نهادی که مسئول ارائه خدمات عمومی در جامعه است، حقوق وی مندرج در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده و دولت مورد شکایت، تعهدات مثبت خود را در جهت تضمین حمایت از حقوق وی انجام نداده است. در این دعاوی دادگاه برای تشخیص این که دولت مورد شکایت تعهد مثبتی در جهت حمایت از حقوق شاکی داشته یا نه، به این نکته توجه می‌کند که آیا دولت مذکور، بین منافع عمومی جامعه و منافع فردی شاکی، تعادل منصفانه‌ای برقرار کرده است یا خیر. به عنوان مثال در پرونده‌ای که ثابت شود یک حق فردی مهم در معرض خطر بوده و متقاضی آسیب بزرگی را متحمل شده است، ممکن است یک تعهد مثبت برای دولت جهت حمایت از حقوق فرد ایجاد شود. در مقابل اگر این ضرر و زیان فردی چندان زیاد نباشد یا منافع مهم عمومی در معرض خطر باشد، احتمال ایجاد تعهد مثبت برای دولت کم است. در مجموع با ملاحظه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توان به این نتیجه رسید که دادگاه در این موازنه، منافع عمومی جامعه را در اولویت بالاتری قرار می‌دهد و بار اثبات این که منافع شخصی فرد شاکی بر منافع عمومی جامعه غالب است را بر عهده‌ی شاکی قرار می‌دهد.

چالش‌های اعمال تعهدات مثبت توسط دولت‌ها

می‌شود... و هم به ارگان‌هایی از جمله قضاات که از آن‌ها خواسته می‌شود قوانین موجود را تفسیر و اعمال کنند.»

(Thompson & Gordon, 2017, p. 408)

با این حال باید توجه داشته باشیم که این دکترین به دولت‌های متعاقد قدرت تشخیص نامحدود نمی‌دهد و دادگاه اروپایی حقوق بشر بارها بر این نکته تأکید کرده است که مسئول نهایی حصول اطمینان از رعایت تعهدات ناشی از کنوانسیون توسط دولت‌ها، این نهاد است. بنابراین در رابطه با ماده هشت در نهایت این دادگاه اروپایی حقوق بشر است که حکم نهایی را در مورد این که آیا ماده هشت کنوانسیون توسط دولت متعاقد نقض شده است یا خیر صادر می‌کند. برای مطالعه بیشتر راجع به «قدرت تشخیص» مراجعه کنید به:

Arai-Takahashi, Yutaka, *The Margin of Appreciation Doctrine and the Principle of Proportionality in the Jurisprudence of the ECHR*, Intersentia nv, 2002

مبهم و نامشخص بودن مفهوم واژه‌ی «احترام» به‌عنوان منبع شناسایی تعهدات مثبت برای دولت‌ها در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز رویکرد متفاوت کشورهای عضو کنوانسیون در تفسیر و استفاده از «قدرت تشخیص» اعطاشده به آن‌ها باعث شده است که دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمان رسیدگی به دعاوی و در فرآیند ایجاد موازنه بین منافع عمومی جامعه و منافع شخصی فرد شاکی، دچار چالش‌هایی جدی در شناسایی یا عدم شناسایی تعهدات مثبت برای دولت‌های مورد شکایت گردد. این چالش‌ها در رابطه با دعاوی مطرح شده راجع به هر چهار حق پیش‌بینی شده در بند اول از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل مشاهده است.

چالش‌های مربوط به تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه‌ی «زندگی خصوصی»

شکایت از عدم اجرای تعهدات مثبت توسط دولت‌ها در حوزه «زندگی خصوصی» بیش از سایر حقوق پیش‌بینی شده در بند اول از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح شده است. این مسئله ناشی از آن است که وظیفه‌ی حفاظت از تمامیت جسمی و روانی و روابط بین فردی شهروندان، منجر به ایجاد تعهدات مثبت برای دولت‌ها ذیل ماده هشت کنوانسیون می‌گردد. دولت‌ها برای انجام چنین تعهدی از یک سو باید از رفتارهایی که با ارزش‌های اساسی و جنبه‌های خصوصی زندگی افراد تعارض دارند، جرم‌انگاری کرده و نسبت به پیش‌بینی و ارائه روش‌های درمانی و حمایت‌های حقوقی و مدنی به‌ویژه در مواردی که حقوق کودکان و سایر افراد آسیب‌پذیر در معرض خطر است، اقدام نمایند و از سوی دیگر در هنگام طرح شکایت توسط شهروندان در رابطه با نقض حق بر «زندگی خصوصی» آن‌ها، رسیدگی دقیق و مؤثر نسبت به آن دعاوی به عمل آورند.

نمونه‌ای از تعهدات مثبت دولت‌ها در حمایت از «زندگی خصوصی» شهروندان از طریق جرم‌انگاری از رفتارهای ناقض تمامیت جسمانی و روانی ایشان و رسیدگی دقیق و مؤثر به شکایت آن‌ها را می‌توان در دعاوی «ام سی علیه بلغارستان»^۱ مشاهده کرد. در این پرونده دختر ۱۴ ساله‌ای توسط دو مرد مورد تجاوز قرار گرفته بود. از آنجا که در جریان تحقیقات

1. M.C v. Bulgaria

شواهد کافی مبنی بر این که متقاضی مجبور به برقراری رابطه جنسی با متهمین شده و رابطه ناشی از زور یا تهدید بوده وجود نداشت، رسیدگی متوقف شد. شاکی با طرح دعوی در دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی شد که دولت بلغارستان تعهدات مثبت خود را در جهت حمایت از حقوق وی انجام نداده است. دادگاه در زمان رسیدگی به پرونده تأکید کرد که تکلیف به احترام به «زندگی خصوصی» شهروندان در ماده هشت کنوانسیون، تعهد مثبتی بر عهده دولت‌های عضو قرار داده است که اولاً نسبت به جرم‌انگاری از تجاوز به عنف در قوانین خود اقدام نمایند، ثانیاً از طریق انجام تحقیقات مؤثر و پیگردهای قانونی لازم، این قانون در عمل به درستی اجرا شود.

دادگاه چنین استدلال نمود که اگرچه در برخی نظام‌های حقوقی شرط تحقق جرم تجاوز به عنف، اثبات استفاده از اجبار فیزیکی توسط مرتکب و مقاومت فیزیکی قربانی در برابر اوست، اما در سطح جامعه اروپا این رویه وجود ندارد. بدین ترتیب که در غالب کشورهای اروپایی شرط وجود اجبار فیزیکی به عنوان عنصر لازم برای تحقق جرم تجاوز به عنف از قانون حذف شده و به جای آن صرف عدم رضایت قربانی شرط تحقق جرم در نظر گرفته شده بود. دادگاه علاوه بر یادآوری اجماع حاصل شده توسط کشورهای عضو شورای اروپا در جرم‌انگاری از رفتارهای جنسی غیر توافقی، دیدگاه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق که بر اساس آن در قوانین کیفری بین‌المللی هرگونه رفتار جنسی بدون رضایت قربانی به معنای تجاوز به عنف محسوب شده بود (Buckley & Donald & Leach, 2016, p. 134) و همچنین این نظر علمی که قربانیان سوءاستفاده جنسی، به‌ویژه افراد زیر سن قانونی، اغلب در زمان تجاوز جنسی دچار حالتی می‌شوند که از آن به‌عنوان «ترس منجمد»^۱ تعبیر می‌شود و در نتیجه شوک جسمی و روانی ناشی از این ترس، منفعلانه و بدون مقاومت خود را تسلیم متجاوز می‌کنند را نیز مورد اشاره قرار داد (Sjoholm, 2017, p. 243).

با در نظر گرفتن مجموعه موارد فوق، دادگاه تأکید کرد که در مورد جرم تجاوز به عنف، نیاز به قانونی است که منعکس کننده تغییر نگرش جوامع اروپایی راجع به احترام به استقلال جنسی و تمامیت جسمانی و روانی افراد باشد. در نتیجه دادگاه چنین حکم داد که ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وظیفه و تعهد مثبتی را بر عهده‌ی دولت‌های عضو در رابطه با جرم‌انگاری و نیز پیگرد قانونی مؤثر هرگونه عمل جنسی غیر توافقی، بدون در نظر گرفتن رفتار قربانی در زمان تجاوز و صرفاً با در نظر گرفتن رضایت یا عدم رضایت او نسبت به آن رفتار، قرار داده است. بنابراین با توجه به این که قوانین بلغارستان نسبت به جرم‌انگاری از رفتارهای جنسی غیر توافقی اقدام نکرده بود و دستگاه قضایی بلغارستان نیز تحقیقات مؤثر و کافی را در فرآیند رسیدگی به اتهام انجام نداده بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم به نقض ماده هشت کنوانسیون توسط این دولت داد. (Henn, 2019, p. 130)

یکی دیگر از دعاوی مشهور مربوط به تعهدات مثبت دولت در حوزه «زندگی خصوصی»، دعوی «ابسین علیه ترکیه» است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۵ میلادی در جنوب شرقی کشور ترکیه یک سلسله حملات خشونت‌بار از جانب گروه «پ. ک. ک.»^۲ علیه کارمندان دولت ترکیه در مکان‌های عمومی صورت گرفت که منجر به کشته یا زخمی شدن عده‌ای گردید. شاکی یکی از قربانیان این حملات بود که اسید روی صورتش ریخته شد و در نتیجه این حادثه دچار آسیب‌های دائمی از جمله تومور گردنی شد و به مدت یک سال و نیم نتوانست در محل کار خود حاضر شود. وی شکایتی از دولت ترکیه در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرد و به موجب آن مدعی شد دولت ترکیه دو تعهد مثبت خود را نسبت به وی انجام نداده است: اولاً تدابیر لازم را برای محافظت و مراقبت از وی در مقابل

1. Ebcin v. Turkey

۲. حزب کارگران کردستان یا «پ. ک. ک.» یک سازمان سیاسی چپ‌گرا و مسلح در کردستان ترکیه است که در سال ۱۹۷۸ تأسیس و از سال ۱۹۸۴ برای کسب خودمختاری در منطقه‌ی کردستان ترکیه دست به مبارزه مسلحانه علیه حکومت مرکزی ترکیه زده است. برای مطالعه‌ی بیشتر راجع به سیاست‌های این حزب مراجعه کنید به:

Balci, Ali, *The PKK-Kurdistan Workers' Party's Regional Politics: During and After the Cold War*, Springer, 2016

این حملات تروریستی پیش‌بینی نکرده و ثانیاً اقدامات لازم را جهت پیگیری این حمله و محاکمه عاملان آن و جبران خسارات وارده به وی در اسرع وقت انجام نداده است. دادگاه قسمت اول ادعای او را نپذیرفت و عنوان کرد که نمی‌توان از دولت ترکیه انتظار داشت که به عنوان یک تکلیف، بایستی تدابیری در جهت مراقبت از شخص شاکی در نظر می‌گرفته است. دادگاه چنین استدلال کرد که تحمیل چنین تکلیفی بر دولت ترکیه با توجه به این نکته که اولاً شاکی یک شخصیت عمومی و شناخته‌شده نبوده که اتخاذ تدابیر حمایتی ویژه برای وی ضرورت داشته باشد و ثانیاً هیچ‌گونه شواهد قبلی که نشان‌دهنده تهدید قبلی او به انجام چنین حمله‌ای باشد وجود نداشته، توجیه منطقی ندارد. با این وجود دادگاه قسمت دوم شکایت شاکی را پذیرفت و چنین استدلال کرد که با توجه به تأخیرهای طولانی ایجادشده در فرآیند دادرسی کیفری که باعث شده بود این فرآیند بیش از هفت سال به طول بیانجامد و همچنین مدت زمان فرآیند اداری جبران خسارات وارده به شاکی، می‌توان چنین استنباط کرد که دولت ترکیه نتوانسته تعهدات مثبت خود را در جهت حمایت از حقوق شاکی در این زمینه به عمل آورد و لذا نقض ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت گرفته است. (Kamber, 2017, p. 338)

چالش‌های مربوط به تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه «زندگی خانوادگی» عمده چالش‌های مربوط به تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه حق بر «زندگی خانوادگی» ناظر بر دو موضوع است: اول تعهد دولت‌ها مبنی بر به رسمیت شناختن انواع مختلف پیوندهای خانوادگی و دوم اتخاذ تدابیر لازم به منظور حفاظت از تداوم زندگی خانوادگی و جلوگیری از در معرض خطر قرار گرفتن و اختلال در روابط اعضای خانواده.

در رابطه با تکلیف دولت‌ها در به رسمیت شناختن پیوندهای خانوادگی، دادگاه اروپایی حقوق بشر با تکیه بر تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع اروپایی، دولت‌های عضو را ملزم می‌داند که انواع مختلفی از اشکال جدید روابط نظیر رابطه بین مادری که بدون ازدواج صاحب فرزندی شده با آن فرزند یا رابطه بین زن و مردی که بدون انجام مراسم رسمی ازدواج، به مدت طولانی در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند را در چارچوب مفهوم «زندگی

خانوادگی» به رسمیت بشناسند. دادگاه در پرونده «مارکس علیه بلژیک» در این رابطه چنین استدلال کرد که:

«وقتی دولت در نظام حقوقی داخلی خود رژیم قابل اعمال برای برخی از روابط خانوادگی مانند روابط بین مادر مجرد و فرزندش را تعیین می‌کند، باید به گونه‌ای عمل کند که به افراد مربوطه اجازه دهد زندگی عادی خانوادگی داشته باشند. همان طور که در ماده هشت پیش‌بینی شده، احترام به زندگی خانوادگی به‌ویژه از نظر دادگاه بر این دلالت دارد که در قوانین داخلی ضمانت اجرای حقوقی وجود داشته باشد که از همان بدو تولد، پذیرش و قبول کودک در چنین خانواده‌ای را ممکن سازد. گرچه در این رابطه دولت‌ها معمولاً از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کنند، اما قانونی که این الزام را برآورده نکند، از نظر این دادگاه بند اول از ماده هشت را نقض می‌کند.» (Bates, 2010, p. 335).

بر این اساس دولت‌های عضو به‌عنوان یک تعهد مثبت مکلف‌اند در راستای احترام به حق بر «زندگی خانوادگی»، مقررات قانونی لازم را برای به رسمیت شناختن این پیوندهای خانوادگی تصویب کرده و کلیه خدمات عمومی از قبیل صدور اسناد سجلی و غیره را برای ایشان انجام دهند. البته بایستی توجه داشته باشیم که تعهد مثبت دولت‌ها در احترام به «زندگی خانوادگی» تنها در به رسمیت شناختن این پیوندها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه عکس آن نیز امکان دارد. به این معنا که اگر زمانی شخصی منکر وجود یک رابطه خانوادگی شد،^۱ دولت‌های عضو به‌عنوان یک تعهد مثبت مکلف‌اند تدابیر قانونی لازم را برای بررسی ادعای وی پیش‌بینی کرده و به خواسته‌ی او رسیدگی کنند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ی «فینیکاریدو علیه قبرس»^۲ بر این مسئله تأکید نموده است. (Fenton-Glynn, 2021, p.)

(243)

۱. مثل زمانی که مردی مدعی شود فرزندی که همسر او به دنیا آورده متعلق به وی نیست یا شخصی مدعی شود بر اساس مدارک جدیدی که به دست آورده، پدر و مادر واقعی وی افرادی غیر از کسانی هستند که مدت‌ها به‌عنوان پدر و مادر سرپرستی او را بر عهده داشته‌اند.

2. Phinikaridou v. Cyprus

در رابطه با تعهد مثبت دولت‌ها در اتخاذ تدابیر لازم به منظور محافظت از تداوم «زندگی خانوادگی»، رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که این دادگاه قطع پیوند خانوادگی را فقط در شرایط استثنایی مجاز می‌داند. البته این بدان معنا نیست که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جدایی یا طلاق را ممنوع کرده است. بلکه منظور دادگاه، تعهد مثبت دولت‌ها بر اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از اموری است که منجر به قطع روابط والدین و فرزندان می‌گردد. بر این اساس دادگاه دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که به منظور احترام به «زندگی خانوادگی»، قوانین داخلی مربوط به حق حضانت، حق ملاقات و مانند آن‌ها را به گونه‌ای تنظیم کنند که مانعی بر سر راه پیوند و ملاقات اعضای خانواده وجود نداشته باشد. به عنوان مثال در دعوی «مصطفی و آرمگان آکین علیه ترکیه» دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین نظر داد که حکم حضانت صادر شده از سوی دادگاه کشور ترکیه که از یک سو مانع از ملاقات خواهر و برادری که فرزندان خانواده بودند، با یکدیگر شده و از سوی دیگر امکان ملاقات بین پدر خانواده با دو فرزندش را نیز غیرممکن کرده بود، نقض تعهدات مثبت دولت ترکیه ذیل ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر احترام گذاشتن به «زندگی خانوادگی» محسوب می‌گردد. (Todres & M. King, 2020, p. 247)

چالش‌های مربوط به تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه «مسکن»

شکایات مربوط به عدم انجام تعهدات مثبت توسط دولت‌ها در رابطه با احترام بر حق «مسکن» اشخاص، به ندرت در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شده است. با این وجود در معدود دعاوی مطرح شده در این حوزه، دادگاه به صراحت عنوان نموده است که حق احترام به «مسکن» که تحت حفاظت ماده هشت قرار می‌گیرد، نه تنها حق مالکیت فیزیکی نسبت به محیط خانه، بلکه همچنین حق لذت بردن همراه با آرامش از آن محیط را نیز شامل می‌شود که ممکن است در نتیجه سروصدا، دفع مایعات، بوی ناخوشایند یا مانند آن‌ها مورد آسیب

قرار گیرد. لذا دولت‌های عضو به‌عنوان یک تعهد مثبت مکلف‌اند اقدامات لازم را جهت جلوگیری از این موارد انجام دهند.

در دعوای «مورنو گومز علیه اسپانیا»^۱ متقاضی با طرح شکایتی در دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی شد که به دلیل منفعل بودن مقامات در برابر سروصدای مداومی که در طول شب از کلوپ‌های شبانه مجاور خانه‌ی او ایجاد می‌شد، آسیب شدید به امکان بهره‌برداری مطلوب از خانه و خواب و استراحت وی در خانه وارد شده و لذا حق وی در احترام به «خانه» که در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده، نقض گردیده است. دادگاه در بررسی این پرونده متوجه شد که مجوز ایجاد و فعالیت این کلوپ‌های شبانه در مجاورت منزل متقاضی، توسط شهرداری صادر شده بود. این در حالی بود که کارشناسان خود شهرداری قبل از صدور مجوز هشدار داده بودند که در نتیجه فعالیت این کلوپ‌ها، سروصدایی بسیار فراتر از محدودیت‌های قانونی به وجود خواهد آمد. بنابراین دادگاه دولت اسپانیا را به خاطر عدم اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور حفاظت از حق انتفاع و بهره‌مندی مالک از محیط آرام خانه، به نقض تعهدات مثبت ناشی از ماده هشت کنوانسیون محکوم نمود (Marguerat, 2018, p. 165).

چالش‌های مربوط به تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه «مکاتبات»

بیشترین شکایات مطرح شده در رابطه با تعهدات مثبت دولت‌ها در حوزه «مکاتبات»، مربوط به مکاتبات زندانیان با خارج از زندان است. بر این اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر به‌صورت ویژه، بر این نکته تأکید کرده است که دولت‌ها مکلف‌اند به‌عنوان یک تعهد مثبت، وسایل لازم برای مکاتبه را به میزان لازم در اختیار زندانیان قرار دهند. اگرچه این بدان معنا نیست که زندانیان دارای حق نامحدود برای دسترسی به انتخاب مواد نوشتاری هستند یا این که تمام هزینه نامه‌نگاری زندانیان با خارج از زندان باید به عهده دولت باشد، با این وجود محدودیت‌ها نباید به‌گونه‌ای باشند که در عمل حق «مکاتبات» شخص زندانی را مختل کنند.

1. Moreno Gomez v. Spain

در دعوی «کتلت علیه رومانی» متقاضی با طرح شکایتی در دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی شد که دولت رومانی از تعهد مثبت خود مبنی بر تأمین ابزار لازم برای وی جهت نامه‌نگاری با خارج از زندان سرباز زده و در نتیجه، حق احترام به «مکاتبات» وی را که در ماده‌ی ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده، نقض نموده است. دادگاه در زمان رسیدگی به این پرونده متوجه شد که به موجب قانون کشور رومانی، یک زندانی صرفاً حق دسترسی به دو پاکت نامه در طول ماه را داشت، در حالی که این مقدار حتی برای مکاتبه زندانی با دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز کافی نبود. بنابراین دادگاه با در نظر گرفتن این مسئله و نیز با توجه به این که متقاضی درخواست‌های مکرری را جهت افزایش سهمیه‌اش مطرح کرده بود که به‌طور سیستماتیک از جانب مقامات مسئول رد شده بود، به این نتیجه رسید که مقامات دولت رومانی به تعهدات مثبت خود مبنی بر تأمین کلیه مواد لازم برای مکاتبه‌ی متقاضی با خارج از زندان عمل نکرده‌اند. بنابراین حکم به نقض ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صادر نمود (Mowbray, 2007, p. 584).

نتیجه

هدف ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در درجه‌ی اول محافظت از افراد در برابر مداخلات خودسرانه‌ی مقامات دولتی است. بر این اساس دولت‌های عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند از هر گونه مداخله غیرمجاز در چهار حق پیش‌بینی در ماده‌ی ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی «زندگی خصوصی»، «زندگی خانوادگی»، «مسکن» و «مکاتبات» خودداری کنند. با این حال ماده هشت فقط دولت‌ها را ملزم نمی‌کند که از چنین مداخله‌ای خودداری کنند؛ بلکه علاوه بر این تعهد منفی اولیه، تعهدات مثبتی نیز برای دولت‌های عضو پیش‌بینی می‌کند که رعایت آن‌ها برای تضمین دسترسی شهروندان به حقوق چهارگانه مذکور در فوق لازم است.

شناسایی تعهدات مثبت برای دولت‌ها ذیل ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ و در پرونده «مارکس علیه بلژیک» توسط دادگاه اروپایی

حقوق بشر مورد بحث قرار گرفت. دادگاه در این پرونده با استناد به واژه «احترام» که در بند اول از ماده هشت کنوانسیون به کاررفته بود، وجود تعهدات مثبت بر عهده دولت‌ها را شناسایی کرد و چنین نظر داد که وقتی بند اول از ماده هشت دولت‌ها را ملزم به «احترام» به «زندگی خصوصی»، «زندگی خانوادگی»، «مسکن» و «مکاتبات» شهروندان می‌نماید، لازمه‌ی این «احترام» آن است که دولت‌ها هم در نظام قانون‌گذاری و هم در عمل و در فرآیندهای رسیدگی به دعاوی، تدابیر لازم را جهت حمایت از این حقوق چهارگانه شهروندان اتخاذ نمایند.

با این حال، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دولت‌های عضو از یک سو و نیز انتزاعی بودن مفهوم واژه «احترام» و اختلاف نظر در تعیین مصادیق آن از سوی دیگر، منجر به بروز چالش‌هایی بین دولت‌های عضو کنوانسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر گردیده است. این امر که بیش از هر چیز ریشه در افزایش آگاهی عمومی شهروندان از حقوقی که در مقابل دولت از آن برخوردارند و آنچه به‌طور قانونی می‌توانند از مقامات حکومتی انتظار داشته باشند دارد، منجر به طرح دعاوی متعددی توسط شهروندان دولت‌های عضو نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مبنی بر نقض تعهدات مثبت دولت‌ها در ذیل ماده هشت کنوانسیون گردیده است.

دادگاه در زمان رسیدگی به این دعاوی، «قدرت تشخیص» گسترده‌ای در شناسایی و انجام این تعهدات مثبت به دولت‌ها اعطاء نموده است ولی بر این نکته تأکید می‌نماید که در نهایت، تشخیص تکلیف به انجام تعهدات مثبت مندرج در ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر عهده این مرجع است و چنان چه دولت‌های عضو بین منافع عمومی جامعه و حقوق شخصی شهروندان، تعادل و موازنه منطقی به عمل نیاورده و از انجام تعهدات مثبت خود سرباز زنند، ناقض ماده هشت کنوانسیون شناخته خواهند شد.

Resources

- A. v. France, Appl. No 14838/89, 23 November 1993
- Arai-Takahashi, Yutaka (2002), *the Margin of Appreciation Doctrine and the Principle of Proportionality in the Jurisprudence of the ECHR*, Intersentia nv
- Balci, Ali (2016), *The PKK-Kurdistan Workers` Party`s Regional Politics: During and After the Cold War*, Springer
- Bates, Ed(2010), *The Evolution of the European Convention on Human Rights: From Its Inception to the Creation of a Permanent Court of Human Rights*, OUP Oxford
- Berrehab v. the Netherlands, Appl. No 10730/84, 21 June 1988
- Boyle v. the United Kingdom, Appl. No 16580/90, 9 February 1993
- Buckley, Carla, Donald, Alice, Leach, Philip (2016), *Towards Convergence in International Human Rights Law: Approaches of Regional and International Systems*, BRILL
- Cotlet v. Romania, Appl. No. 38565/97, 3 June 2003
- Cremer, Hans-Joachim (2010), *Human Rights and the Protection of Privacy in Tort Law: A Comparison Between English and German Law*, Routledge
- Della Fina, Valentina, Cera, Rachele, Palmisano, Giuseppe(2017), *The United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities: A Commentary*, Springer
- Demopoulos and Others v. Turkey, Appl. No. 46113/99, 1 March 2010
- Doswald-Beck, Louise (2011), *Human Rights in Times of Conflict and Terrorism*, OUP Oxford
- Ebcin v. Turkey, Appl. No. 19506/05, 1 February 2011
- Ehlers, Dirk, Becker, Ullrich, Et al (2011), *European Fundamental and Freedoms*, Walter de Gruyter
- Fenton-Glynn, Claire (2021), *Children and the European Court of Human Rights*, Oxford University Press
- Frerot v. France, Appl. No. 70204/01, 12 June 2007
- Gillow v. the United Kingdom, Appl. No. 9063/80, 24 November 1986
- Handyside v. the United Kingdom, Appl. No. 5493/72, 7 December 1976
- Henn, Elisabeth (2019), *International Human Rights Law and Structural Discrimination: The Example of Violence against Women*, Springer

- Kamber, Kresimir (2017), *Prosecuting Human Rights Offences: Rethinking the Sword Function of Human Rights Law*, BRILL
- Kofler, Georg, Maduro, Miguel, Pistone, Pasquale (2011), *Human Rights and Taxation in Europe and the World*, IBFD
- Kusak, Martyna (2017), *Mutual admissibility of evidence in criminal matters in the EU: A study of telephone tapping and house search*, Maklu

List of Cited Cases

- M.C v. Bulgaria, Appl. No. 39272/98, 4 December 2003
- Marckx v. Belgium, Appl. No. 6833/74, 13 June 1979
- Marguerat, Shelly (2018), *Private Property Rights and the Environment: Our Responsibilities to Global Natural Resources*, Springer
- McKay-Kopecka v. Poland, Appl. No. 45320/99, 19 September 2006
- Moeckli, Daniel (2008), *Human Rights and Non-discrimination in the 'War on Terror'*, OUP Oxford
- Moreno Gomez v. Spain, Appl. No. 4143/02, 16 November 2004
- Mowbray, Alastair (2007), *Cases and Materials on the European Convention on Human Rights*, Oxford University Press
- Mustafa and Armagan Akin v. Turkey, Appl. No. 4694/03, 6 April 2010
- Nussberger, Angelika (2020), *The European Court of Human Rights*, OUP Oxford
- O'Halloran, Kerry (2021), *The Politics of Adoption: International Perspectives on Law, Policy and Practice*, Springer Nature
- Olsson v. Sweden, Appl. No. 10465/83, 24 March 1988
- Phinikaridou v. Cyprus, Appl. No. 23890/02, 20 December 2007
- Prokopovich v. Russia, Appl. No. 58255/00, 8 January 2004
- Sadat-Akhavi, Seyed Ali, Hosseini Akbarnezhad, Horrieh (2010), Extraterritorial effect of the European Convention on Human Rights in the case-law of the European Court of Human Rights, *Law Quarterly*, Volume 39, P. 233-256
- Silver and Others v. the United Kingdom, Appl. No. 7151/75, 25 March 1983
- Sjoholm, Maria (2017), *Gender-Sensitive Norm Interpretation by Regional Human Rights Law Systems*, Martinus Nijhoff Publishers

- Smyth, Claire-Michelle, Lang, Richard, Thompson, Jack Clayton (2020), *Contemporary Challenges to Human Rights Law*, Cambridge Scholars Publishing
- Thompson, Brian, Gordon, Michael (2017), *Cases & Materials on Constitutional & Administrative Law*, Oxford University Press
- Todres, Jonathan, M. King, Shani (2020), *The Oxford Handbook of Children's Rights Law*, Oxford University Press
- Witzleb, Normann, Lindsay, David, Paterson, Moira, Rodrick, Sharon (2014), *Emerging Challenges in Privacy Law: Comparative Perspectives*, Cambridge University Press
- X & Y v. the Netherlands, Appl. No. 8978/80, 26 March 1985
- X, Y, and Z v. the United Kingdom, Appl. No. 21830/93, 22 April 1997
- Xenos, Dimitris (2012), *The Positive Obligations of the State Under the European Convention of Human Rights*, Routledge

استناد به این مقاله: برغی، محمد مهدی. (۱۴۰۲). تعهدات مثبت دولت‌ها در حمایت از حقوق شهروندان در تفسیر دادگاه اروپایی از ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. دولت پژوهی، ۹(۳۴)، ۳۵-۵۷. doi: 10.22054/TSSQ.2023.67666.1250



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.